چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۳
۰۱۴
شماره ۴۲۷۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

در نشست «بررسی مناسبات قدرت در تحولات اخیر منطقه جنوب غرب آسیا» تشریح شد

انباشت کینه‌ها برای رژیم صهیونیستی دردسر می‌شود

تمام قوانینی که قرار بود در جنگ ها رعایت شود، در غزه و جنوب لبنان زیر پا گذاشته شده است. رژیم صهیونیستی دیوانه وار در حال کشتار زنان و کودکان است. دیگر حساب کشته ها از دست همه در رفته است. بیش از ۵۰ هزار شهید در غزه و لبنان. برای بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی و متحدانش، شاید این پیروزی به حساب بیاید؛ اما در دراز مدت کینه های انباشته شده، ورق را برخواهد گرداند. این بخشی از ارائه سید رضا موسوی نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی است که به همراه عبدالامر نبوی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در نشست تخصصی «بررسی مناسبات قدرت در تحولات اخیر منطقه جنوب غرب آسیا» با حضور سفیر ایران در لبنان توسط انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه شاهد برگزار شده است. در ادامه مشروح بخشی از نشست را از نظر می‌گذرانید.

سید رضا موسوی نیا
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

من بانگاه به آینده می خواهم به موضوع جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی بپردازم. ما حتم دارم ۲ تا ۳ قسمت عرضه می‌کنم. یک بحث اول بحث کوچک نظری دارم. بعد می‌پردازم به نقشه راهی که رژیم صهیونیستی برای ایران چیده است. در قسمت سوم صحنه را دیده باقی می‌کنم تا ببینیم که صحنه در چه وضعیتی است، ما کجاییم و حریف در کجا قرار دارد. در قسمت پایانی هم بررسی می‌کنیم که آیا می‌توانیم پیش‌بینی کوچکی از آن چیزی که در روزهای آینده پیش روی ما است، انجام دهیم یا نه.

وقتی کسه ما می‌خواهیم آینده یک پدیده را مطالعه کنیم، چندین راه پیش رویمان قرار می‌دهیم. ابتدا اینکه مثلا بینش یک قوه‌ای است، میان مدت و یا بلندمدت داشته باشیم. راه دیگر این است که به جای پیش بینی، آینده‌پژوهی کنیم، نوعی سناریونویسی کنیم و چندین آینده را ترسیم کنیم. راه دیگری وجود دارد که آینده‌پژوهی انتقادی داشته باشیم. راه دیگر این است که ما قلم روند پژوهی کنیم و یک روندی را به طور یکنسویه و بیاورد داشته باشیم. ما در قبال صهیونیستها و رژیم صهیونیستی که می‌توانیم بکنیم؟ خیلی از رفت و فقط باید به طیف گسترده‌ای از فرضیه‌ها، همکن اندیشه‌ها، من با این قضیه موافقم. چراکه تصمیم‌گیران، پیش بینی را دوست دارند. یعنی دوست دارند تنها یک آینده جلوی روی شان بگذارید، اما پیش بینی چه زمانی ممکن است؟ پیش بینی زمانی ممکن است که شما تراوز دارید، در یک کفه آن عناصر از پیش تعیین شده است و در یک کفه دیگر آن هم عدم قطعیت است. هر چقدر این عناصر از پیش تعیین شده بیشتر باشد و عدم قطعیت کمتر، امکان پیش بینی بیشتر و چندین راه دیگر پذیری آن نیز کمتر است. بالعکس، هر چقدر این عناصر از پیش تعیین شده کمتر باشد و تعداد عدم قطعیت ها بیشتر، خطر پذیری پیش بینی بیشتر می‌شود. بنابراین باید به صورت روزانه و یا دیده‌بانی تحولات، فقط به آینده‌های ممکن اندیشید.

نکته دوم و مرتبط با اول، این است که تصمیم‌گیری هم در شرایط بحرانی استراتژیک نیست. اساسا جدیدا می‌گویند عقل استراتژی هم یک نقشه راه از پیش تعیین شده نیست. یعنی باید وارد بازی بشوید و بعد به تدریج تصمیم بگیرید. مثل اینکه ما وارد ترافیک تهران می‌شویم و بر حسب شلوغی مسیرهایمان را عوض می‌کنیم. پس در اینجا استراتژی یک امر پویا است. ولی در شرایط حاد بحرانی اصلا استراتژی نداریم و باید به صورت بلکانی انتخاب کنیم. یک روش الگوی تصمیم‌گیری سایبرنتیک می‌گویند. شما کنشی را انجام می‌دهید و بعد منتظر بازخورد آن کنش می‌شوید، منتظر پاسخ حریف می‌مانید. بعد بر اساس پاسخ حریف تصمیم‌گیری می‌کنید. صهیونیست‌ها هم بلد به پله بپلی می‌روند. همین طور که برمی‌گردید به گذشته نگاه می‌کنید می‌بینید که در مجموع تصمیمات، عقلانی بوده است. لذا خود تصمیم‌گیرنده، هم نمی‌داند کجا می‌خواهد برود. من فکر می‌کنم در شرایط بحران یک قسمت از تصمیم‌گیران هم در دو طرف همین‌گونه تصمیم‌گیری می‌کنند.

نقشه راه تل‌آویو برای تهران

بحث دوم من نقشه راهی است که رژیم صهیونیستی برای ایران ترسیم کرده است. این هم در روندهای طی سال‌های اخیر مشهود بوده و هم در سخنان سردمداران رژیم صهیونیستی مشخص است. روز ۷ اکتبر وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی مقاله‌ای نوشت که به نظر من این مقاله تقریبا رفتار، کردار و گفتار رژیم صهیونیستی را در رابطه با ایران نمایندگی می‌کند. او نقشه راهی را برای ایران ترسیم کرد. در ۶ محور این نقشه تقسیم شده بود که این ۶ مورد هم افزا در ارائه سید رضا موسوی نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی است که به همراه عبدالامر نبوی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در نشست تخصصی «بررسی مناسبات قدرت در تحولات اخیر منطقه جنوب غرب آسیا» با حضور سفیر ایران در لبنان توسط انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه شاهد برگزار شده است. در ادامه مشروح بخشی از نشست را از نظر می‌گذرانید.

۱. هدف اصلی ما این است که بازوان ایران را قطع کنیم. یعنی آن کاری که الان در میدان نبرد علیه حماس، حزب‌الله، جهاد، کتائب حزب‌الله عراق و انصارالله من الان به او اینرت داده رابدهم، عصبانی می‌شود، تغییر رأی می‌دهد، یا بدتر از آن، آفتی که داریم این است که دیده‌بان چیزی را بگوید که فرمانده دوست دارد بشنود، این دیگر فاجعه است. هرسه این ها نوعی از خیانت است. اما این سومی خیانت بیشتری است، بنابراین در رصد صحنه آدم باید واقع‌بین باشد. مزیت نسبی جمهوری اسلامی و ایران، قدرت فرهنگی و تمدنی آن است؛ اما در چند دهه اخیر مزیت جدیدی یا عنوان قدرت نظامی آن نوعی صحنه آمده است. چیزی که من دارم می‌گویم خیلی مهم است و هشدار هم داده‌ام. چندین سال است که ما در جهان اسلام از کشورهای مختلف نظرسنجی می‌کنیم. نگاهی که طرفداران جمهوری اسلامی در جهان اسلام، جنوب شرق، آفریقا، خاورمیانه، ترکیه و شماسات دارند یک واقعیت نظامی است. یعنی ایران را یک واقعیت نظامی می‌بینند. مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی ایران ایران‌الله با یک قطع شوند.

۲. مرحله دوم قطع کردن راه‌های ارتباطی ایران با این بازوان است. مهم‌ترین این راه‌ها در سوریه است. یعنی جنگ سوریه با همین هدف انجام شد. پیکره محور مقاومت را شکسته و از نظر بگیرید. سر ایران است، بدن و نخاع سوریه بود، دست و پا هم گروه‌های مقاومتی بودند. الان حملاتی که در سوریه و در دریای سرخ انجام می‌شود و احتمالا ادامه خواهد داشت، ناظر بر همین محور است.

۳. ادامه فرایند عادی سازی باید با تأکید بر رابطه با عربستان به نظر من خیلی صحنه سیاسی را تغییر می‌دهد. اگر این اتفاق بیفتد، آن موقع فضا خیلی سخت خواهد شد.

۴. افزایش تحریم‌ها علیه ایران است. بالایی هایی که رژیم صهیونیستی در آمریکا دارد، می‌خواهد این کار را انجام دهد. همین حلق و فرح هایی که پیرامون ایران برای مباحث نفتی، فروش برق، ورود گاز، مهار و متغیر گفتم ما الان از انجام این مسیر با موافقت آمریکا است. این را باورها و مسئله عراقی ها به ایران گفتند. منظور آمریکا هم مشخص است. آمریکا برای این که برنامه همسایه‌ای ایران با کنترل کند و یا به ایران وارد بحث تعارض مستقیم نشود، از این طرق بیچ راشل و سلف می‌کند. بنابراین صهیونیست‌ها در نظر دارند این را هم بیندند و بحران را به ایران وارد بکنند.

۵. فشار و رایزنی با اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای غربی برای قرار دادن سپاه در گروه تروریستی است.

۶. حملات از اپوزیسیون جمهوری اسلامی، برای اینکه به زعم خودشان بعد از تغییر نظام یک گروه متشکلی را در ایران جانشین کنند. از این گروه‌ها اسم نمی‌آورند، چراکه مقبولیت آن‌ها مشخص نکند؛ اما شواهد و علائم نشان می‌دهد که گزینه ایلشان رضا پهلوی است و اگر نشد، گزینه دوم به سراغ سازمان مجاهدین خواهند رفت.

این شش برنامه را در نظر دارند و در تلاشند تا آن را پیاده کنند. بعد از این گام دوم، ایجاد یک ائتلاف نظامی برای حمله به زیرساخت‌ها و تاسیسات هسته‌ای ایران است. این هـا موارد‌ی بوده که عیناً در آن مقاله به آن اشـاره می‌شـود. در سخنان دیگر برادرمن رژیم صهیونیستی هست. یهودیان در طول تاریخ همیشـه کمیت اینم عزم را دارند. طبیعتـا می‌دانیم که برای پیش برد هر کدام از این ها موانع بزرگی وجود دارد و موانعی به وجود خواهد آمد و جمهوری اسلامی هم دست و پا بسـته نمی‌نشـیند که این برنامه را پیش ببرند منتهی مراتب این نقشه راه به وجود می‌آید.

مجدد بعدی دیده‌بانی صحنه است. من به عنوان یک دانشجویی که در حوزه آینده‌پژوهی یـاد می‌گیرم، آموخته‌ام که در دیده‌بانی صحنه آدم باید به شـدت واقع‌گرا باشـد. بـه خصوص ما ایرانی ها هم خیلی باید واقع‌گرا باشـیم. چراکه ادبیات، مذهب، هنر و فرهنگ ما خیلی ما را به آرزو اندیشی تشویق می‌کند. هم صحنه که یک تصمیم‌گیرنده عیان سناریوی مورد علاقه و سناریوی مطلوب را می‌بیند (مورد) در جنگ صحنه‌گردانی که به یاران خودشان سناریوی مطلوب متفاوت است. خیلی هم مرز باریکی وجود دارد. سناریوی مطلوب را می‌توان بر ساخت اما سناریوی دلخواه لزوما برساخته نمی‌شود. گاهی دیده و می‌شود که خیلی خیلی از تصمیم‌گیران سناریوی مطلوب را به پله بپلی می‌بینند. تمام تمام خانه‌هایشان در هم ریخت. سوم وظیفه دیده‌بان، واقع‌بینی و رصد دقیق صحنه است. فرض کنید که دریک جنگ یک دیده‌بان بـرود تا رصد کند. تحرکات اصلی را که همه می‌بینند؛ دیده‌بان باید تحرکات ریز را ببیند و تحلیل کند. مثلا دیده‌بان شـما در بالای صحنه چیزی را ببیند و بعد با خطوط بگوید، من الان این را به همرزم‌هایم بگویم این ها می‌گویند ترسیده است، پس نگویم. یا فرمانده تصمیم گرفته حمله کند.

عبدالامر نبوی
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ مرحله‌ای مهم از تحولات سیاسی راهبردی منطقه محسوب می‌شود. از سویی مرحله مهمی از روند مبارزه بخشی از گروه‌های اسلام‌گرا با رژیم صهیونیستی نیز محسوب می‌شود. در جریانات یک سال اخیر نام دوگروه حماس و جهاد اسلامی بیشتر تکرار شده است. می‌دانید سال ۱۹۸۷ حماس به عنوان شاخه‌ای از درون اخوان‌المسلمین فلسطین تشکیل شد. ژانویه ۲۰۰۶ انتخابات پارلمانی که صورت گرفت، در مجلس قانونگذاری، اکثریت آرا را در غزه به دست آوردند و از ۲۰۰۶ تاکنون بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بازیگر سیاسی غزاند. نحوه رفتارهای رژیم صهیونیستی به اضافه ضعف تشکیلات خودگردان در کرانه باختری و نحوه عملکرد حماس باعث شد به‌تدریج تعداد زیادی از اخوان‌المسلمین فلسطین به حماس بپیوندند. بلافرین نهاد تصمیم‌گیری دفتر سیاسی حماس است که ۱۵ عضو دارد، بعد از آغاز بحران سوریه، دفتر آن‌ها که در دمشق بود به دوحه نقل مکان کرد. همسه اصلی جهاد اسلامی فلسطین هم مربوط به دهه ۱۹۸۰ میلادی است که توسط شیخ عبدالعزیز عوده، بشیر موسی و رمضان عبدالله تاسیس شد. سال ۱۹۸۱ گروهان‌های قدس هم به عنوان شاخه نظامی جهاد تاسیس شدند. اختلاف نظرایتی دارند اما در بیشتر تحولات و مقاطع هم‌سو و هم‌فکر بودند. از جمله در جریان ۷ اکتبر به این سو نوعی هم‌فکری میدانی در آن‌ها وجود داشته است. از جمله در جریان ۷ اکتبر به این سو نوعی رهبری جهاد اسلامی را دارد. البته طی روزهای اخیر هم بحث هایی از تیرور او مطرح شده است. این ها مهم‌ترین بازیگران اسلام‌گرای منطقه غزه و در جریان تحولات ۷ اکتبر به این سو بوده‌اند؛ اما اشـاره‌ای به اخوان می‌کنم به خاطر این جامعه رانکه‌تکه کردیم. نتیجه آن هم همین خلأ و شکافی است که وجود دارد. ما نتوانسـتیم تشـخیص بدهیم که دشـمن تعریف دارد. کسـی که مثل من فکر نمی‌کند باکسی که با اصل انقلاب مسئله دارد و باکسی که با ایران مسئله دارد، متفاوت است. حتی اپوزیسیون خارج از کشور هم با همدیگر متفاوتند. برخی ازآن‌ها بدند، برخی بدترند و برخی هم فاجعه‌اند. ما همه چیز را یکی کردیم. ما در داخل با مفاهیم دگرگانه انتزاعی خودی و غیرخودی کردیم. جامعه را نکته‌تکه کردیم و نتیجه آن همین خلأیی بود که در انتخابات شاهد بودیم.

پیروزی رژیم صهیونیستی استراتژیک نیست

رژیم صهیونیستی پیـروزی تاکتیکی داشـته و دارد اما این به معنای پیروزی استراتژیک نیست. ۴۰ هزار نفر را کشته‌اند. این یعنی ۴۰ هزار نفر زخم خورده دارنـد. مثلاً شـما فرض کنید رژیم صهیونیستی یکی ازاعضـای خانواده ما را بکشـد. گمـان می‌کنید ما رهایش می‌کنیم؟ یعنـی از این ۴۰ هـزار نفر، ۱۲ تا حمـاس و حـزب‌الله در آینده شـکل نمی‌گیـرد؟ می‌گیـرد. کی؟ معلوم نیسـت. بنابراین می‌خواهم عرض کنم که این اتباشت کینه‌ها در آینده مسلما برای رژیم صهیونیستی دردسر می‌کند.

آخرین بحثی که من دوم این است که آیا ما الان می‌توانیم ازفرار رژیم صهیونیستی در جنگ روز آینده پیش‌بینی داشـته باشـیم یا نه؟ در مقدمه عرض کردم، آنقدر این عدم قطعیت ها زیاد است، امکان دارد اما می‌گیرد؛ اما یک جهت رفتار را می‌توانند حدس زد. من می‌توانم دوگانه‌ای را ترسیم کنم. رفتار جمهوری اسلامی ایران، پاسـخ‌های دیگر ایرانیهم منیر بوده که پس از مرحوم شـهید هنیه و حادثه ۷ مارس ۲۰۲۴، الان صـالح عبدالحق جانشین او شـده و رهبر دفتر استانبول هم محمود حسـین است. همـه کارها را به اسـاس عمل‌کردیم، بلاخره اخوان داخل مصـر نتوانسـته ضعیف شـده، که ازتأثیرگذاری بر روند امروز ناتوان است. بیشـتر موضع گیری ها و مسائل توسط دفاتر لندن و استانبول به رسمیت شناخته شده و بیگیری می‌شـود. تا الان هم که ۵ کشـور اخوان را تئوروسـتی اعلام کرده‌اند؛ مصر، بحرین، عربستان، روسیه و امارات متحده عربی و هرگونه مسائل مالی، اداری، موضع‌گیری و عضویت در آن از طرف مسئولان امنیتی این ۵ کشوره به عنوان یک گروه تروریسـتی دیـدی می‌شـود. عملیات روزی و دشـمکی که اتفاقاً دولت مصر در تشدید آن نقش داشـته و به نفعش هست، باعث تضعیف بیشـتر توانایی مالی، اداری و سیاسـی‌گذاری در درون رهبران اخوان شـده است، تا جایی که بعضی ها امروز از اخوان به عنوان یک سـازمان ورشـکسـته نام می‌برند که از چرخ شـکست و انشقاق است. دیگر اخوان ازتأثیرگذاری بر روند امور مصر و یا خارج از مصر نتوان است. شاید نتوانیم بگوییم ورشکسـته اما خیلی ضعیف شـده است. دیدگاهی که در داخل کشور ما در مورد اخوان تاریخی وجود دارد، کاملا غلط. نادرست و مبتنی بر شناخت ناقص است. تمام این بحث ها برای این بود که رابطه‌شان با می‌دهید، نشان دهنده فرضیه‌ای است که در انتخابات شاهد بودیم.

۲. مصمم بود به زدن، یعنی جرئت عمل داشته باشید.

۳. انتقال بیام. بایدپیام بدهید. انتقال پیام باید انجام دهید. انتقال پیام مثلا همین عملیات وعـده صادق ایران توانایی اش رانشـان داده که موشـک دارد، جرئت عمل هم دارد. انتقال پیام را هم انجام داده اسـت. کافی اسـت که من جهت این کار به اسلام ایران یا دارندگان نقشه به سـمت مراکز جمعیتی و زیرساخت یرگوراتم، بعد ببین چه هزینه‌ای تحمیل می‌کنم.

۴. عنصر چهارم وجود راه‌های بدیل است. یعنی شما وقتی نمی‌خواهید بجنگید و عملیاتی انجـام می‌دهیـد، بایدیک راه‌های بدیلی هم بیش روی خودت و حریف باشد. مثلاً آنتن پس و یا گفت وگوهای غیرمستقیم.

۵. عنصر آخر هم عقلانیت است. یعنی دو طرف باید عاقل باشند هزینه - فایده کنند والاگر طرف مقابل شما مثل آن چیزهایی که در تئوری بازی ها خواندیم، طرف خودش را دیوانه جلوه دهد، باز این بازدارندگی عمل نمی‌کند.

نکته من روی عنصر دوم است. آیا رژیم صهیونیستی الان باور دارد که ما جرئت فرستادن هزار موشک به مراکز زیرساختی او داریم یا نه؟ این خیلی مهم است. من به یک چیز دیگر هم فکر می‌کنم. برای دوستانی که در کانتکس دینی فکر می‌کنند عرض می‌کنم؛ به هر حال با تمام این وضعیت رژیم صهیونیستی چه به لحاظ دینی و چه به لحاظ اخلاقی باطل است. یعنی هم قرآن می‌گوید، هم سنت و تاریخ و حقوق بشر می‌گویند. هم اخلاق این را حکم می‌کند. همه ما هم در زندگی مان امداد الهی و نصرت الهی را تجربه کرده‌ایم. الوالا این که ما خودمان راحتی مطلق بدانیم و بگوییم نصرت الهی فقط برای ماست، این خیرها نیست. یعنی نباید غره شویم. اما واقع آن این است که آن چیزی که در آینده پژوهی به آن سوریوپلیز سناریو می‌گویند، اسمش را می‌توان نصرت الهی گذاشت. یعنی این در تجربه زیسته ما هم هست. خدا واقعا هست. من با این آیه می‌خواهم عرایضم را به پایان ببرم، وعده الهی هم هست که در سوره روم می‌فرماید رومی ها شکسـت خوردند و بعد در سـال های آینده پیروز می‌شوند. آن موقع مسلمانان کم بودند. قطبی ایرانی ها و قطبی رومی ها بودند. ایرانیان که رومیان را شکست دادند، مؤمنین وحشت کردند. خداوند می‌فرماید که رومی ها شکسـت خوردند اما به‌زودی پیروز می‌شوند. «لله امر من قبل و من بعد؛ این امور دسـت ماست. چه قبل، چه بعد؛ آن در دسـت ماسـت. آیه‌ای در سوره یوسـف هست. دیدید گاهی آدم ظلم می‌بیند، به وجود خدا شک می‌کند؟ آدم می‌گوید این همه غربت که دارد، چرا خدا کاری نمی‌کند؟ در سـوره یوسـف آیه ۱۰۹ است که می‌گوید پیامبـران هم دچار این تردید شـده‌اند. می‌فرماید تا جایی که پیامبران مأیوس می‌شـوند، ظن و گمان می‌کنند نکند ما سر کار هستیم؟ نکند به ما دروغ گفته شده؟ نکند این ها وحی نبوده است؟ در این لحظه نصرت ما می‌آید و هر کسی را که بخواهیم، نجات می‌دهیم. محرمان را در آن لحظه خفت می‌کنیم. تجربه زیسته ما هم همین اسـت. بنابراین هم به این می‌توانیم بیندیشـیم. اینجا دیگر رژیم صهیونیستی عنصر عقلانیت را ندارد. دیوانه می‌شود. خدا کاری می‌کند که دیوانه شود. اینجا دیگر در محاسباتش دچار سوء محاسبه می‌شود. این فواره بالامی‌آید و امیدواریم که نصرت الهی بیاید و ما هم باد بگیریم که واقع‌بین باشیم. ما طی سـال های اخیر قدرت را در قدرت نظامی ترجمه کردیم و از سـایر ابعاد و چهره‌های قدرت وا مانده‌یم.

ادامه در صفحه ۱۵

چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۳
۰۱۴
شماره ۴۲۷۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دانش داده‌های مکشوف و بوده‌های مفقود

حکیمه‌الله عذاصالحی
استاد تمام دانشگاه تهران و عضو هیئت‌امنای بنیاد ایران‌شناسی

گرامی و پاسداشت روز جهانی آرکئولوژی (باستان شناسی) به روز پاسداشت و گرامیداشت یک رشـته و دانـش دانشـگاهی یـا حـرفه و فـن و مهارت و مدیریت کاویدن و کشـف و گـردآوری و وصـف و داوری آثـار و اجسـاد و اجسام به جای مانده در محوطه ها و لایه ها و نهشت های ارض تاریخ بسنده و محدود نمی‌شود.

روز پاسداشت و گرامیداشت تحول و چرخش و خیزشی عظیم و بی‌سابقه در اندیشه و دانش و دانایی و آگاهی و فهم انسان از انسان بودن از تاریخ و گذشته تاریخی خویش چونان هستنده و باشنده‌ای تاریخی و تاریخمند نیز است. چرخش و خیزش و ریزشی که طی سده‌های متأخر در قاره و منطقه‌های غربی تاریخ اتفاق افتاده اسـت. برآمدن و برصحنه آمدن رویکردهای آرکئولوژیک (باسـتان شـناختی) و دانش باسـتان‌شناسـی پیـامد رُنژله‌ها و چرخش‌ها و خیزش‌ها و ریزش‌هایی بوده اسـت که در قاره و غرب ارض تاریخ، فرهنگ، جامعه و جهان بشـری ما اتفاق افتاده اسـت. مسـئله‌ها و مباحثی که بسـیار نوشتار فشرده و کوتاه در نوشتار پیشـارو در بابش سخن رفته است.

گستره جغرافیایی واژه باستانی و هلنی تبار، آرکئولوژی، هم به لحاظ مفهومی و هـم مصداقـی بـس فراخ دامن‌تر و بس پرچین و کمکن‌تر از دانش نوپدید آرکئولوژی (باستان‌شناسـی) یا ملغمه‌ای از «علوم باستان شناختی است»، آرکئولـوژی به لحاظ مفهومی سـویه‌ها و لایه‌های معنایـی آن حتی فراخ‌تر و فلسـفی‌تر از فلسفه است. در ذیل آن هر مصداقی، از هر بدیده‌ای، واقعیتی، امری را می‌توان تعریف کرد. هیچ امری، پدیده‌ای، واقعیتی بدون «آرخه» و «لوگوسی» که آن را پدید آورد، تعریف‌پذیر نیسـت، اما این مسـئله و بحث مهم دیگری اسـت که در نوشـتارکوتاه اکنون این قلم که اندر مناسـبت روز جهانی گرامیداشـت «آرکئولوژی (باستان شناسی) است درنمی‌گنجد.

باستان‌شناسی چونان یک رشته و دانش نوپدید دانشگاهی یا چونان ملغمه‌ای از علوم باستان شناختی به‌مانند بسیاری از دانش‌ها و فناوری‌ها و نظام‌های فکری و ارزشـی و نهادهای مدنی روزگار ما پیامد «افسون‌زدایی»، «راززدایی، تقدس‌زدایـی و الوهیت‌زدایـی تاریخ و فاصـله و فراق عظیم و بی‌سـابقه‌ای بوده اسـت که میان انسـان و سنت‌های اعتقادی و تاریخ قدسـی و رازآمیزش در منطقـه و قـاره غربـی طـی سـده‌های متأخر اتفاق افتاده اسـت. برآمدن و بـر صحیفـه آمـدن رویکردهای «آرکئولوژیـک» (باسـتان‌شـناختی) و متعاقبـاً دانش باستان‌شناسـی در دوره جدید مصداقی از مصادیق پایان بسـیاری از سـنت‌های اعتقادی و نظام‌های فکری و ارزشـی و مدنی و معنوی و نحوه زندگـی انسـان روی سـیاره زمین بوده اسـت؛ امانه پایان تاریخ لیکن پایان فرهنگ‌ها و تاریخ‌های بسـیار. تاریخ‌ها و فرهنگ‌ها و سـنت‌ها و هنرها و نظام‌های فکری و ارزشـی که برای انسـان مدرن به معنی الاخص و انسـان روزگار ما بـه طریـق اولـی در ذیل آثار نفیسی گذشـته تعریف و در روشـنگاه «آرخه» و «لوگوس» مدرن مورد بررسش قرار گرفته، کشـف و بازخوانی و به اکنون فراخوانده، دیده دانسـته، شناخته و فهمیده می‌شوند. و زیسرفقـه و موزه‌های عالم مدرن نگهداری و به تماشا نهاده می‌شوند.

آرکئولـوژی (باسـتان‌شناسـی) چونـان نـوع نوینی از ابزار و روش‌شـناخت در پیشـینه و تبارشـناسی واژه نگاری لایه‌های زیرین یا مبادی arhai و مبانی logoi و موضوعات و منابع مورد مطالعه بسـیاری از رشـته‌ها و دانش‌ها و سـپهرهای دیگر شـناخت می‌تواند کاربرد داشته و مدد برساند. گسـترش و توسـع و تسری واژه آرکئولوژی و کاربسـت و به خدمت فراخواندن آن در رشـته‌ها و دانش‌ها و سپهرهای دیگر نظام‌های شـناختی روزگار ما به مانند باستان‌شناسی کیهان، دانش باستان‌شناسی در روزگار ما در صف مقدم هم کشف، هم گردآوری، هم داوری و بازخوانی و شرح و تبیین و تفسیر چه بدوکی و چگونگی و چرایی روند‌ها و مراحل تاریخی شدن بشر و فرهنگی شدن او چونان هستنده و باشنده‌ای تاریخی و تاریخمند و صیانت و معرفی مأثر تاریخی و فرهنگی انسان فعال بر صحنه ایستاده‌اند و گام برمی‌گیرند. جهانی هم گام برمی‌گیرند. آرکئولوژی (باستان‌شناسی) این‌ها همه هست اما همواره جغرافیایش فراخ دامن، پرچین و شکن و گسترده‌تر از اینها همه هست و است. آرکئولوژی (باستان‌شناسی) نوعی از گفتمان، نوعی از رابطه، نوعی از نسبت، نوعی از شناخت نویی است که انسان روزگار ما با گذشته تاریخی و تاریخمند و فرهنگی و فرهنگمند خود برقرار کرده است. دسـت و دامنش هم تهی از مواد و منابع شـناخت نبوده اسـت. حـتی را که ماده‌ها و منابع و شواهد و بقایا و آثار ملموس باستان‌شناختی در سپهرهای ادراکی ما به ویژه خیال برمی‌انگیزند و فعال می‌کنند و تحرک می‌بخشند روایات تاریخی فاقد چنین امکانی اند. مقابلاً اندیشگی که در روایات و منابع نوشتاری تاریخی است سـپهرهای ادراکی اندیشه و خزد ما را تحرک می‌بخشند و فعال می‌کنند باستان‌شناسی اندکی دمش‌تش کوتاه است. به هر روی منابع و مدارک و شواهد مادی باستان‌شناختی و مستندات و منابع نوشتاری تاریخی مکمل هم‌اند و خویشاوندی میان‌شـان ماهوی و بنیادین است و در مسـیر شناخت و آگاهی و فهم ما از تاریخ و حضور تاریخمند انسان در جهان این که در گذشته بشری ما چه رخ داده است؟ چگونه رخ داده است؟ چرا آن گونه رخ داده است و به نحوی دیگر؟ عاملان و فاعلان چه کسـانی بوده‌اند؟ انرخه‌ها، و لوگوس‌های، آن‌ها. ذیل ها و علت‌های اتفاقات چه بوده است؟ هر دورنشه با مسئله‌های کلیـدی از ایـن دسـت و از ایـن جنس و سـنخ درگیرند و درگیر می‌شـوند و هر دورنشـه و دانش و دانایی مکمل هم‌اند و خویشاوند هم و مددرسان هم و در دادوستدهای گسترده با هم.

البته دانش باسـتان به روش و ابزار شـناخت و کشـف و گردآوری و وصـف و معرفی مبانی و فرهنگ‌های ماده‌های مادی و شواهد و قرائن مادی یعنی آثار به جای مانده در محوطه‌ها و لایه‌ها و نهشت‌های باستان‌شناختی محدود و بسـنده نمی‌شود. باستان‌شناسی از ریشه و بنیاد رویایی و رصد و امر مفقود باستان‌شناسی است.

کشـف و گـردآوری و وصـف و معرفـی آثـار مادی به جای مانـده در لایه‌ها و نهشـت‌ها و قـاره غربـی طـی سـده‌های متأخر اتفاق افتاده اسـت. برآمدن و بـر صحیفـه آمـدن رویکردهای «آرکئولوژیـک» (باسـتان‌شـناختی) و متعاقبـاً دانش باستان‌شناسـی در دوره جدید مصداقی از مصادیق پایان بسـیاری از سـنت‌های اعتقادی و نظام‌های فکری و ارزشـی و مدنی و معنوی و نحوه زندگـی انسـان روی سـیاره زمین بوده اسـت؛ امانه پایان تاریخ لیکن پایان فرهنگ‌ها و تاریخ‌های بسـیار. تاریخ‌ها و فرهنگ‌ها و سـنت‌ها و هنرها و نظام‌های فکری و ارزشـی که برای انسـان مدرن به معنی الاخص و انسـان روزگار ما بـه طریـق اولـی در ذیل آثار نفیسی گذشـته تعریف و در روشـنگاه «آرخه» و «لوگوس» مدرن مورد بررسش قرار گرفته، کشـف و بازخوانی و به اکنون فراخوانده، دیده دانسـته، شناخته و فهمیده می‌شوند. و زیسرفقـه و موزه‌های عالم مدرن نگهداری و به تماشا نهاده می‌شوند.

آرکئولـوژی (باسـتان‌شناسـی) چونـان نـوع نوینی از ابزار و روش‌شـناخت در پیشـینه و تبارشـناسی واژه نگاری لایه‌های زیرین یا مبادی arhai و مبانی logoi و موضوعات و منابع مورد مطالعه بسـیاری از رشـته‌ها و دانش‌ها و سـپهرهای دیگر شـناخت می‌تواند کاربرد داشته و مدد برساند. گسـترش و توسـع و تسری واژه آرکئولوژی و کاربسـت و به خدمت فراخواندن آن در رشـته‌ها و دانش‌ها و سپهرهای دیگر نظام‌های شـناختی روزگار ما به مانند باستان‌شناسی کیهان، واژه‌نگره مهمی در پرونده باستان‌شناسی است و آخرین کوایل ماء ۲۰۱۷ که اساسنامه اخیر بازبینی شد و اصول و سیاست‌های کلی تحول تدوین شـد ـ می‌گویند حداقل مشـعل در این زمینه خیلی نقش داشـته ـ اسـاساً برخلاف اساسنامه ۱۹۸۸ مهمی نامی از اخوان برده نشده بود. یعنی بین حماس و اخوان حفـظ فاصله‌ای صورت گرفته بـود. آن‌گه به بعد حتی خالد قدومی در تهران اعلام کرد ما شاخه‌ای از اخوانیم اما صرفاً به لحاظ عقیدتی و فکری یا آن‌ها هم‌فکر و هم‌راهیم. یعنی سعی کرده بحث را به حوزه نشانه ببرد. اما این پیغام که به خاسـته‌گاه اصلی خودت برگرد یک مسـئله هم داشـت، آن هم این بود که اخوان تلاش کرد تا رابطه‌اش را در رهبری حماس کاهش دهد.

حالا همه این داستان‌ها را که گفتیم برای چه بود؟ در مناسبات قدرت منطقه، اخوان و حـماس فعالّ‌تنـی ندارند. دوم اینکه سـایر شـاخه‌های اخوان برای تغییـر مناسـبات قـدرت در منطقـه هیـچ نقشـی ندارند. یعنی اگرکسـی فکر می‌کند حماس و یا دیگر گروه‌های فلسـطینی می‌توانند مناسبات فعلی قدرت در منطقـه راتغییـر دهنـد، اختلاّ‌ون این‌ها را دیاز تلقی کرده‌اند. القاعده هم نقشی ندارد. فقط‌آرعاس هم نقش ندارد. سرجمع گروه‌های اسلام‌گرا چه شیعه و چه سنی، در تغییر مناسبات قدرت در منطقه توانایی و نقشی ندارند. دراینده نزدیک هم نقشی نخواهند داشت. القاعده به جز حمایت تبلیغاتی از عملکرد یک سـال اخیر حماس به عنوان یک گروه اسلام‌گرای سنی که توانسته به رژیم صهیونیسـتی ضربه بزند، کار دیگری از پیش نبرده است. القاعده حمایت کرده، تحریک‌آمیز اسلام‌گرایی در سرویه هم حمایت کرده است؛ اما پیش از حمایت گروت، توانایی کار دیگری را نداشته‌اند. اخوان جهانی هم همینطور است. اخوان جهانی که کلاً در چهارچوب یک‌سری بحث‌های حقوق بین‌الملل سخن می‌گوید و اتفاقاً درست هم عمل می‌کند، کاری از پیش نبرده است. تنها گروهی که باقی می‌ماند داعش است. داعش همواره با حماس رقابت دارد. مسئله داعش این است که اولاً هیچ گاه در غزه بارزیگر مهمی نبوده است. نکته دوم این است که حماس او را وابسته به ایران می‌داند و داعش همواره فاصله مهمی با گروه‌های شیعی و یا وابسته به شیعه دارد. لذا حماس را دست نشانده ایران می‌داند.

ما شاهد اینیم که ۷ اکتبر که عملیات شروع شد، ۱۲ اکتبر اعلام در نشریه البنیاک سرمقاله نوشت و گفت ما باید از مسلمانان هنگامی که رنج می‌کشند حمایت کنیم. نه اسمی از اخوان آورد، نه اسمی از فلسطین و حماس مطرح کرد. ۱۹ اکتبر هم مقاله‌ای دیگر در البنیا نوشتند و گفتند اولویت نبرد باید با دولت‌های مرتد عربی باشد. آن‌ها قلعه و دیوار استرلیتس. یعنی اول باید به سراغ حکومت‌های خودمان برویم. تا اینکه ۴ ژانویه سخنگوی وزارتخانه اعلام کرد وگفت باید م